

سلوک شعر

فارسی عمومی

دکتر مختار ابراهیمی

(عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز)

دکتر کیامرث فرامرزی

سما کاسه گرها

سرناسه	:	ابراهیمی، مختار، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سلوک شعر: فارسی عمومی / مختار ابراهیمی، کیامرث فرامرزی، سما کاسه‌گرها.
مشخصات نشر	:	تهران: آمه قلم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۵ ص.
شابک	:	۹۷۸۰۶۰۰۷۵۱۸۰۱۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۲۷۳] - ۲۷۵.
عنوان دیگر	:	فارسی عمومی.
موضوع	:	ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	:	Persian literature -- Collections
موضوع	:	ادبیات فارسی -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Persian literature -- Study and teaching
موضوع	:	فارسی -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Persian language -- Study and teaching
موضوع	:	فارسی -- دستور -- راهنمای آموزشی
موضوع	:	Persian language -- Grammar -- Study and teaching
شناسه افزوده	:	فرامرزی، کیامرث، ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده	:	کاسه‌گرها، سما، ۱۳۴۳ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ اس۸/الف۴۰۵ / PIR۴۰۰۵
رده بندی دیویی	:	۸۴-
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۸۵۸۴۴



نشریات آمه قلم

سلوک شعر (فارسی عمومی)

نویسندگان: دکتر مختار ابراهیمی، دکتر کیامرث فرامرزی، سما کاسه‌گرها

ویراستار: دکتر غلامرضا محمدی

ناشر: آمه قلم

طراح جلد: بهاره آزمون

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

چاپ: سفیر قلم

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۱۸-۱۸-۲

تهران - خ مفتاح خیابان سمیه - روبروی بانک ملی ساختمان ۱۱۸ واحد ۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۷۳۹۷

فهرست مطالب

۹.....	گفتار نخست.....
۹.....	چرا ادبیات می‌خوانیم؟.....
۱۵.....	گفتار دوم: دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی.....
۱۵.....	دوره نخست: ایران باستان.....
۱۹.....	ایران پس از حمله اعراب.....
۲۱.....	گایاها.....
۲۲.....	دوره دوم:.....
۲۴.....	رودکی.....
۲۴.....	منوچهر.....
۲۶.....	فردوسی.....
۳۲.....	عنصرالمعالی کیکاووس.....
۳۳.....	اوضاع اجتماعی و ادبی ایران در دوره‌های سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان.....
۳۶.....	رباعیات خیام.....
۳۶.....	خواجه عبدالله انصاری.....
۳۸.....	دو بیتی‌های بابا طاهر.....
۳۸.....	محمد غزالی.....
۴۱.....	سنایی غزنوی.....
۴۲.....	نصرالله منشی.....
۴۵.....	عین القضات همدانی.....
۴۷.....	سعدالدین وراوینی.....
۴۸.....	خاقانی شروانی.....
۴۹.....	نظامی گنجوی.....
۵۰.....	اوضاع اجتماعی و ادبی ایران در دوره‌های مغول، آل اینجو، آل مظفر و تیموریان:.....
۵۴.....	مولانا.....
۵۷.....	سعدی شیرازی.....
۶۱.....	فخرالدین عراقی.....
۶۱.....	خواجوی کرمانی.....

۶۲	عبید زاکانی
۶۳	سلمان ساوجی
۶۴	حافظ شیرازی
۶۶	دوره سوم
۷۰	جامی
۷۱	بابا فغانی شیرازی
۷۱	وحشی بافقی
۷۲	شیخ بهائی
۷۲	صائب تبریزی
۷۳	فروغی بسطامی
۷۴	هاتف اصفهانی
۷۵	دوره چهارم
۹۷	محمدتقی بهار
۹۸	پروین اعتصامی
۹۸	عارف قزوینی
۹۹	فرخی یزدی
۹۹	اقبال لاهوری
۱۰۰	محمد علی جمال زاده
۱۰۵	علی اکبر دهخدا
۱۰۹	ایرج میرزا
۱۱۰	صادق هدایت
۱۱۴	نیما یوشیج
۱۱۶	جلال آل احمد
۱۲۲	سیمین دانشور
۱۲۴	حمیدی شیرازی
۱۲۴	شهریار
۱۲۵	مهدی اخوان ثالث
۱۲۸	احمد شاملو
۱۳۱	فروغ فرخ زاد

۱۳۴.....	سهراب سپهری
۱۳۸.....	دکتر علی شریعتی
۱۳۹.....	هوشنگ ابتهاج
۱۴۰.....	نادر ابراهیمی
۱۴۲.....	قیصر امین پور
۱۴۴.....	سید علی صالحی
۱۴۵.....	محمد علی بهمنی
۱۴۶.....	شیمی ندکنی
۱۴۷.....	سین بهبهانی
۱۴۸.....	محمود دهباشی
۱۵۱.....	گفتار سوم: آشنایی با دانش‌های ادبی
۱۵۱.....	انواع ادبی
۱۶۵.....	سبک‌های شعری ادب باسی
۱۸۴.....	دوره پهلوی
۱۸۷.....	انواع نثر
۱۹۲.....	آشنایی با قالب‌های شعری پارسی
۱۹۹.....	مکاتب ادبی غربی
۲۱۶.....	دستور زبان فارسی
۲۴۱.....	ویرایش و نگارش
۲۷۵.....	کتابنامه

گفتار نخست

چرا ادبیات می‌خواند؟

این که چرا ادبیات می‌خوانیم به مانند این است که بگوییم چرا زندگی می‌کنیم؟ ادبیات و هنر بیش از هر چیز دیگر با زندگی گره خورده است زیرا که ادبیات گونه‌ای از تفکر است که به صورت حضور آدمی را در جهان معنا بخشد. آدمی راه‌های بسیاری را برای تفکر یا اندینیدن در طول تاریخ یا زندگی دور و دیر خود تجربه کرده است؛ تفکر فلسفی، دینی، علمی، ... ادبیات نیز در کنار این گونه‌های اندیشه توانسته است که به زندگی انسان معنا بخشد.

نکته مهم در این راستا که باید بدان توجه کرد این است که ادبیات یا هنر چیزی حاشیه‌ای در کنار گونه‌های دیگر زندگی یا تفکر نیست بلکه می‌توان گفت ناب‌ترین شیوه زندگی که موقعیت زیستی انسان را در جهان نشان می‌دهد همین ادبیات و هنر است.

ادبیات به ویژه شاهکارهای ادبی خواننده خود را به فراسوی نیک و بد می‌برد و او را از هرگونه شتاب زدگی در داوری باز می‌دارد چرا که داوری شتاب زده است که سبب گسست انسان‌ها از هم می‌گردد و مرزهای نااخلاقی را به وجود می‌آورد.

می توان گفت دوپایه بنیادین ادبیات خرد است و عاطفه که سبب آفرینش ادبی می گردد و شاعر با این دوست که می تواند شاهکاری بیافریند که چراغ تاریکی گردد. فردوسی سروده است:

کسی کاو خرد را ندارد ز پیش دلش گردد از کرده خویش ریش
خرد چشم جان است چون بنگری که بی چشم شادان جهان نسپری

نکته دیگر در کارکرد ادبیات این است که ادبیات چنان که گفته شد موقعیت زیستی انسان را در جهان به روشنی نشان می دهد به سخن دیگر انسان با ادبیت و هنر می تواند به زندگی اصیل دست یابد زندگانی اصیل در چگونگی رفتاری است که آدمی با طبیعت و محیط پیرامون خویش دارد به ویژه در روزگار کنونی که سرگشته و پرتویش سبب چیرگی نابرابر انسان بر طبیعت شده است و نظم طبیعی را برهم زده است ادبیات و هنر است که می تواند معنایی به زندگی بخشد و افقی تازه به او نشان دهد افقی که انسان سرگشته روزگار مدرنیسم سخت بدان نیازمند است.

ادبیات با سیر پویایی خود می تواند انسان را که از عاطفه دور گشته و خرد را فراموش کرده سیراب کند و از تله های زندگی ماشینی رهایی بخشد. گفتنی است که مقصود از زندگی ماشینی این نیست که انسان امروزی از ابزار تکنولوژی دوری کند و کنج خلوتی گزیند بلکه منظور این است که نخست تفکر سلطه جویانه تکنولوژیک را بشناسد.

و دیگر آن که بداند چگونه با اندیشیدن و پرسشگری مداوم خود به افق تازه دست یابد. این افق تازه در معنای هنر و زندگی هنرمندانه نهفته است اما ادبیات فارسی و نیاز به خواندن و آشنایی با آن چرا و چگونه است؟

ادبیات فارسی از آغاز تا امروز دوره های گوناگون داشته است که شاید بتوان تاریخی چند هزارساله برای آن در نظر آورد. این ادبیات هریک از دوره هایش همچون گره هایی است که در بافت قالی ایرانی دیده می شود از این رو نمی توان بخشی از آن را نادیده گرفت. بنابراین شناخت این ادبیات که نشان گر تجربه

زیستی انسان ایرانی و هویت و شناسنامه اوست و سخت ضروری و نادیده گرفتنش سبب گم شدگی است.

آشنایی ژرف با ادبیات فارسی سبب می‌شود که در توفان‌های فرهنگی سربلند به در آییم و بتوانیم در رشد و پیش رفت تمدن بشری نیز همکاری و همیاری کنیم از این روست که ملتی می‌تواند در بده-یستان‌های فرهنگی تلاش به چشم آید که قدر ادبیات و شاهکارهای ادبی خود را بشناسد و آن‌ها را به شایستگی به شیوه‌های گونه‌گونه به بیرون از مرزهای فرهنگی شناساند بدین گونه است که ادبیات می‌تواند کارکرد مهم خود را که سیرابی عاطفی و فرهنگی است نشان دهد.

ادبیات شایسته حقیقت است در یک سیر استمراری همیشگی نباید به ادبیات به شکل علمی (شناسایی) نگاه کنیم چون آن را نابود می‌کنیم یعنی به کالا تبدیلش می‌کنیم چرا که دیگر نمی‌توانیم از آن تجربه زیستی داشته باشیم.

ادبیات (هنر) نگاه هستی‌شناسی است. هنر (ادبیات) آشکارگی حقیقت است. این حقیقت که هنر آن را آشکار می‌کند همیشه در یک سطح نمی‌ماند ساهی که ملا وارونه می‌گردد! حقیقت استمرار و جست و جو!

ادبیات آن چیزی نیست که در آموزشده‌ها دیده می‌شود چرا که در آموزشگاه‌ها هنر را تا سطح پایین ماده و کالا و مصرف پایین می‌آورند و آن را در سطح «یک چیز» فرو می‌افکند درحالی که نه هنر کالا نیست نه هنرمند کالافروش، بسیاری از کودکان هنرمند هستند اما این آموزشگاه است که او را از هنرمندی اش باز می‌دارد!

ادبیات و هنر باید در متن زندگی باشد تا آدمی بتواند در سطح زندگی اصیل استمرار یابد اما این گونه نیست آن چه گوش انسان را کر کرده تلویزیون و تکنولوژی است.

از این روست که فکر می‌کنیم این‌ها هنر هستند اما برآستی که ادبیات و هنر نیستند. هنر و ادبیات شکل می‌دهد شکلی بدیع و زیبا، یادمان باشد می‌توان با یک اثر حتی یک شاهکار به صورت میتدل برخورد داشت

هنر به ضرورت استفاده کردنی نیست به سخن دیگر این که از اثری نتوان نوعی از بهره‌مندی داشت؛ باید بدیهی شمرده شود مقصود از بهره‌مندی گاهی بهره‌مندی تبلیغی است.

چنان که بگوییم؛ «فردوسی». همین یک واژه!

ببینید جایگاه ادبیات در نزد جامعه‌های امروزی کجاست؟ آیا این مردم هر روز شری، استانی می‌خوانند؟ کتاب شعری می‌خرند؟ خواندن ادبیات و نفس کشیدن با هر دو مغایره با خریدن خانه، خوراک، پوشاک چه بسامدی دارد؟ این جایگاه ادبیات را در نزد جامعه‌های تکنولوژی زده نشان می‌دهد. مساله این جاست که وقتی ادبیات نداشته باشیم داشته‌های دیگرمان مانند خانه، خوراک، پوشاک و ... هم بی‌معنا می‌شود و این مساله بسیار اندیشیدنی است. آیا ما با تکنولوژیک به اندیشه می‌رسیم با ادبیات! تفکر تکنولوژیک اندیشیدن را از آدمی گرفته است.

این نکته‌ها تنها اشارت‌هایی به ادبیات و کارکرد آن است و می‌توان به ادبیات از زاویه‌های دیگری هم نگریست چنان که در کتاب‌های ادبی هر یک ادبیات و هنر را آن گونه تعریف می‌کنند که خود دیده‌اند از این به ما در این جا به همین موردهای اندک بسنده کرده ایم.

مختار ابراهیمی، پاییز ۱۳۹۶